

دلالت‌شناسی گزارش‌های تاریخی و احادیث نبوی درباره جایگاه جناب جعفر

محمدسعید نجاتی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف دلالت‌شناسی گزارش‌های تاریخی و احادیث نبوی درباره جایگاه جعفر بن ابی طالب در منابع تاریخی و حدیثی فریقین انجام شد. گزارش‌ها و احادیثی که در این مورد استخراج و دلالت‌یابی شد عبارتند از: اهمیت سنخیت روحی و جسمی میان رسول الله ﷺ و جعفر، راز عنایت خاص الهی به جعفر، شایستگی‌های جناب جعفر برای اعزام به حبشه، اهمیت اختصاص سهمی از غنائم بدر و خیبر به جعفر، مقایسه فتح خیبر و بازگشت جعفر، مفهوم هدیه نماز تسبیح به جعفر، مضمون‌شناسی محتواهای هم‌نشینی پیامبر ﷺ با جناب جعفر، دلالت‌شناسی اسکان دادن جعفر در نزدیک بیت نبوی، دلیل محول کردن مسئولیت خواستگاری برای پیامبر ﷺ، راز تعیین جناب جعفر در قالب یکی از فرماندهان نبرد مؤته، اهتمام رسول الله ﷺ به بازماندگان و نسل جعفر و مفهوم جایگاه جعفر در بهشت. از نتایج پژوهش حاضر ارائه تحلیل و تبیین نکات مغفول مانده مفاد گزارش‌ها و احادیثی از رسول اکرم ﷺ درباره جعفر بن ابی طالب و روشن شدن ابعاد جدیدی از منزلت ایشان نزد رسول الله ﷺ است.

واژگان کلیدی: جعفر بن ابی طالب، پیشگامان در اسلام، منزلت جعفر بن ابی طالب، غزوه مؤته، هجرت به حبشه، نماز جعفر.

۱. مقدمه

گزارش‌ها و روایات فراوانی در منابع شیعه و اهل تسنن درباره جعفرین ابی طالب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که کمتر مدلول یابی شده و فقط به نقل و ترجمه سطحی آنها در پژوهش‌های مختلف بسنده شده است. در پژوهش حاضر، روایات و گزارش‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره جعفرین ابی طالب در منابع حدیثی و تاریخی فریقین تبیین و تحلیل شد. مقصود از تبیین و تحلیل، درنگ در معنای گزارش یا حدیث برای دستیابی به نکاتی است که در نقل و بیان این روایات بدان توجه نشده است و دلالتی فراتر از مدلول لفظی آن دارد. همچنین برای پاسخ به چرایی این موارد و تبیین آن تلاش شده است. دلالت‌شناسی این داده‌ها براساس روش تاریخ است هرچند در فقه الحدیث و ارزیابی کلی اعتبار روایت از روش‌های دانش حدیث نیز برای اعتبارسنجی استفاده شده است. تلاش نویسنده بر این است که نکاتی ناگفته و کم‌تکرار درباره گفته‌ها و رفتارهای رسول الله صلی الله علیه و آله که مرتبط با جناب جعفر است، ارائه دهد و از دلالت‌های عمیق روایات رسول الله صلی الله علیه و آله درباره جناب جعفر در پرتوی روایات پرده بردارد. تحلیل حاضر در پی چرایی‌ها و تبیین روابط علی و معلولی محتوای این گزاره‌هاست تا به فهم عمیق جایگاه جناب جعفر در سیره نبوی کمک کند.

آثاری درباره جایگاه، فضائل و تاریخ زندگانی جناب جعفر نوشته شده است، ولی هیچ‌کدام مسئله پژوهشی حاضر را بررسی نکرده است. از جمله این آثار عبارتند از: کتاب تجربه مؤنه از دکتر علی العتوم (۱۴۰۶ ه.ق) که به تفصیل درباره نبرد مؤنه است. کتاب جعفرین ابی طالب (ذوالجناحین) و دوره فی الدعوة الاسلامیه از حنوش حسین فلیح (۱۴۲۹ ه.ق)، کتاب مردی که اگر بود از محمد مهدی معماریان (۱۳۹۷ ه.ق)، مقاله عوامل جنگ مؤنه از شیخ جعفر سبحانی (۱۳۴۷ ه.ق)، منتشر شده در مجله مکتب اسلام، مقاله فرستادگان قریش به حبشه اثر سید هاشم رسولی محلاتی (۱۳۶۷ ه.ش)، کتاب زندگی پرافتخار حمزه و جناب جعفر، دوشهید ممتاز از محمد محمدی اشتهاردی (۱۴۲۳ ه.ش) و مدخل جعفرین ابی طالب به قلم ستار عودی (۱۳۹۳ ه.ش) در کتب سیره و صحابه‌نگاری نیز فضائل و اطلاعات بسیاری درباره جناب جعفر نقل شده است، ولی بُعدی که در مقاله حاضر بررسی شده است را پوشش نداده‌اند. در مقاله حاضر با هدف دستیابی به داده‌های بیشتر درباره جایگاه



جعفر بن ابی طالب نزد رسول الله ﷺ، پس از استخراج روایات رسول اکرم ﷺ و گزارش های تاریخی ایشان درباره جناب جعفر از منابع روایی و تاریخی فریقین، بیانات و سخنان آن حضرت درباره جناب جعفر را بررسی و گفتار و رفتار آن حضرت درباره جناب جعفر را تبیین و تحلیل شد. تبیین و تحلیل این روایت براساس روش های تحلیل تاریخی و فقه الحدیث و با پیش فرض های کلامی شیعه امامیه انجام شد.

۲. تحلیل و تبیین

۲-۱. سنخیت روحی و جسمی میان رسول الله ﷺ و جناب جعفر و اهمیت آن

یکی از ویژگی های جعفر بن ابی طالب در برخی از منابع، سنخیت وی با رسول الله ﷺ است. این سنخیت از دو بعد جسمی و روحی مطرح شده است. هرچند شباهت ظاهری یا اخلاقی به تنهایی نمی تواند فضیلت و مایه برتری باشد، ولی می توان آن را جزو العله کمال و مایه افتخار و احترام دانست. سیره نویسان نیز با این نیت آن را در وصف اشخاص مختلف ذکر کرده اند و در صورت همراهی، جمال معنوی با این کمال ظاهری متمم و مکمل آن است.

۲-۱-۱. شباهت ظاهری به رسول خدا ﷺ

جعفر بن ابی طالب از نظر جسمی و ظاهری آن چنان شبیه رسول اکرم ﷺ بود که این شباهت مایه به اشتباه افتادن برخی از اصحاب می شد به طوری که جناب جعفر را مجبور می کرد تا به آنها بگوید: «من جعفرم و رسول الله ﷺ نیستم». (ابن رسته، ۱۸۹۲؛ طبری، ۱۳۸۶) پیامبر ﷺ اشرف مخلوقات و انسان کامل و برترین بنده خداوند متعال، نماد و معیاری برای تکامل بشری در ادبیات دینی است. از این رو، نزدیکی و سنخیت به آن حضرت حتی در ویژگی های ظاهری و شمایل نیز مورد توجه محدثان و مورخان قرار گرفته و نوعی امتیاز است. این مسئله درباره افراد دیگری هم آمده است مانند امام حسن و امام حسین ﷺ (الطبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۳۵/۱)، حضرت علی اکبر و عبدالله بن نوفل، نوه عبدالمطلب (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۶۹۵/۱)، قثم بن عباس (ابن رسته، ۱۸۹۲؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳۲۰/۵)، حضرت مهدی (امینی گنجی، ۱۴۰۴ هـ.ق)، عبدالله بن حسن مثنی (که چون حاصل ازدواج پسر امام حسن ﷺ و دختر امام حسین ﷺ بود به او (محض) می گفتند و شباهت بسیاری به پیامبر اکرم ﷺ داشت) (ابن عبه،

۱۳۱۷). این امتیاز نسبی از مناجات سیدالشهدا علیه السلام به هنگام فرستادن حضرت علی اکبر به میدان نیز روشن است: «اللهم اشهد علی هؤلاء القوم فقد برز الیهم اشبه الناس خلقا». همین ادعای مطرح شده و شباهت ظاهری را شامل می شود و «و خلقا و منطقا برسول الله» که مرتبط با خصال اخلاقی و گویش و سخنگویی است (مجدی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱/۳۱۰، فعال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۱/۱۷۱).

۲-۱-۲. یکی بودن سرشت و بن مایه خلقت

فراتر از شباهت ظاهری افراد به یکدیگر، یکی بودن طینت است که درجه دیگری از قرابت و نزدیکی را می رساند؛ زیرا مقصود از طینت در روایات اهل بیت علیهم السلام، قوای فطری و سرشت غیراکتسابی انسان است که به ودیعه نهاده شده و از عوالم پیشین تلقی می شود. این سرشت پیشین در بینش اسلامی باعث جبر انسان در سعادت و شقاوت نیست، ولی فضل و نعمت اولیه ای است که هرچند مسئولیت بیشتری دارد، ولی پاداش بالاتری نیز خواهد داشت. این مطلب درباره رابطه امیرمؤمنان علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است: «من و علی از یک درختیم و بقیه مردم از درختان دیگر» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ هـ.ش، ۲/۲۱۸). مشابه این معنا در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که آن حضرت فرمود: «مردم از درختان مختلفی به وجود آمده اند و من و جعفر از یک گل خلق شده ایم. من و فرزندان عبدالمطلب از یک درختیم و من و جعفر از یک شاخه از شاخه های آن. از این روست که او به ظاهر و خلق و خوی من شباهت دارد» (ابن حیون، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۴/۴۵۳). در پاسخ به این سؤال که آیا مدلول این روایت با روایت نقل شده درباره امیرمؤمنان معارضه دارد یا نه، باید گفت که حصر روایت مربوط به امیرمؤمنان یک حصر نسبی است و همچنان که از روایت دوم می توان دریافت، این دو روایت منافاتی با هم ندارند، بلکه بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایت اول به طور کلی و عام و بدون عنایت به موارد خاص بوده است. در روایت خاص نیز تصریح شده است که این همگنی با بنی عبدالمطلب وجود دارد و برای برخی از آنها خاص تر است. این مسئله در روایت دیگری به صورت روشن بیان شده که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام از یک درخت آفریده شده اند که امام علی اصل آن درخت و جناب جعفر فرع آن است (ابن بابویه، ۱۳۶۲ هـ.ش، ۲/۲۱۸).

۲-۲. سابقه جناب جعفر در اسلام و مشارکتش در نماز جماعت

یکی از ملاک‌های برتری اصحاب پیامبر ﷺ در صدر اسلام سبقت در اسلام آوردن بود. سابقین در اسلام مانند مهاجران و مؤمنان پیش از فتح مکه جایگاه ویژه‌ای داشتند. این برتری را می‌توان از برخی آیات قرآن دریافت مانند آیه ۱۰۰ سوره توبه که در روایات اهل بیت  نیز به آن اشاره شده است. (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۴۰/۲) بنابر برخی روایات، جعفر بن ابی طالب پس از امیرمؤمنان  دومین مردی بود که به پیامبر ﷺ ایمان آورد. امام علی  نوجوانی ده‌ساله بود که جناب جعفر (که بیست‌ساله بود) به او و پس از تأخیری سه‌ساله باتوجه به روایت امیرمؤمنان و روایت انذار عشیره (مسعودی، ۱۴۲۶ هـ.ق) به جمع سه‌تایی نمازخوانان پیوست و در سال سوم بعثت مسلمان شد (ابن حیون، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۲۵/۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۲۶/۲۲).

۲-۳. راز برگزیدگی جعفر بن ابی‌طالب از زبان رسول الله ﷺ

براساس روایتی که در برخی از منابع اهل تسنن و منابع روایی معتبر شیعه آمده است خدای متعال به رسولش وحی کرد و گفت: «من چهار خصلت جعفر را سپاس‌گزارم. رسول اکرم ﷺ نیز جعفر را نزد خود فراخواند و از او خواست که از این چهار خصلت خبر دهد. جعفر گفت که اگر خداوند تو را از این ویژگی‌ها باخبر نکرده بود آن را بازگو نمی‌کردم: «هرگز شراب نخوردم؛ زیرا که دانستم با نوشیدن آن خردم از بین می‌رود. هرگز دروغ نگفتم؛ زیرا دروغ مردانگی انسان را می‌کاهد. هرگز زنا نکردم؛ زیرا ترسیدم با انجام این کار با ناموس دیگران، این کار با ناموس خودم نیز انجام شود. هیچ‌گاه بتی را نپرستیدم؛ زیرا دانستم آنها نفع و ضرری ندارند». پیامبر ﷺ بر شاه‌اش نواخت و فرمود: «از این رو، شایسته است که خداوند برایت دو بال قرار دهد که به همراه فرشتگان الهی در بهشت با آنها پرواز کنی». (ابن حیون، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۵۵/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۲۶/۲۲)

متن گفت‌وگوی میان جناب جعفر و رسول اکرم ﷺ نکاتی دارد که اندیشه بیشتری می‌طلبد. از سویی، سپاس خداوند از یک‌بنده بر زبان رسول الله ﷺ، امتیازی کم‌تکرار است که فقط در موارد نادری صورت گرفته و نشان‌دهنده بزرگی عمل و توجه خاص ذات ربوبی به آن بنده است. نکته دیگر در پاسخ جناب جعفر و اوج اخلاص او در این عمل است که وقتی پیامبر اکرم ﷺ این مسئله را مطرح کرد و از جعفر خواست تا این خصلت‌ها را بازگو کند جعفر به آن حضرت پاسخ داد: «از این ویژگی‌ها باخبر نکرده بود آن را بازگو نمی‌کردم». باتوجه به



وساطت رسول خدا ﷺ بین خدا و خلق و شهادت آن حضرت بر اعمال، این سؤال جنبه آگاهی بخشی به دیگران داشت. از این رو، جعفر تمایل نداشت که خودستایی کند و صفات نیکوی خود را برای دیگران بیان کند. نکته سوم، دلایل عمیق جعفر برای دوری از این گناهان بود که او را در مقامی از خردورزی قرار داده بود که از این گناهان مصون مانده بود. جعفر دلیل دوری خود از شراب خواری را مستی و از بین رفتن عقل دانست که نشان از اشراف و درک بالایی او به ارزش خرد و عقل در وجود انسان است.

او مردانگی، مروت و کرامت نفسش را مانع دروغ گفتن می دانست؛ زیرا دروغ، مردانگی را کم می کند. او خود را از یکی از بزرگ ترین گناهان حفظ کرد که در ادبیات معصومان، کلید همه پلیدی ها معرفی شده است. (شامی، ۱۴۲۰ ه.ق، ص ۷۴۶) وی بیم از بازتاب عمل را مانع ارتکاب فحشا با ناموس دیگران می دانست که در روایات معصومین در قالب سنت الهی نقل شده است (برقی، بی تا، ۱۰۷/۱، کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق، ۵/۵۵۳). وی نگاه توحیدی خود و اعتقاد به نفع و ضرر نداشتن بت ها را مانع بت پرستی خود دانست؛ نگاهی که به روشنی و با تأیید حضرت حق و رسول مکرم ﷺ مواجه شد. نکته دیگر از لطایف این روایت این است که رسول خدا ﷺ به نشانه تشویق و تأیید، در ازای این پاکیزگی و آراستگی بشارت شهادت در راه خدا و امتیاز ویژه پرواز با ملائکه در بهشت را به جعفر داد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴/۳۹۷). در برخی از روایات از تلاش امویان از جمله معاویه برای تبدیل جناب جعفر برای رقیب و بدیل امیرمؤمنان سخن آمده است که با برخورد بصیرانه عبدالله بن جعفر ناکام ماند. براساس نقلی، معاویه به صراحت به عبدالله بن جعفر به دلیل احترام فراوانی که برای حسنین قائل است، انتقاد می کند و جناب جعفر را هم سنگ امیرمؤمنان ﷺ می داند، ولی عبدالله بن جعفر با برشمردن فضائل و امتیازات امیرمؤمنان ﷺ برتری آن حضرت را به روشنی گوشزد می کند (طبرسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۲/۲۸۵).

۲-۴. شایستگی های رهبری جعفر در اعزام به حبشه

جعفر بن ابی طالب در سال پنجم بعثت جوانی ۲۵ ساله بود که در دور دوم هجرت به حبشه به دستور پیامبر به همراه جمعی هفتاد نفره از مردان مسلمان به حبشه هجرت کرد و همراه آخرین مسلمانان مهاجر در سال هفتم هجرت به مدینه بازگشت. این گزارش در منابع

مختلف اهل تسنن و در گزارش های شیعه نیز آمده است. (قمی، ۱۴۳۴ هـ.ق، ۱۷۶/۸، محب الدین الطبری، ۱۳۸۶) درباره فرماندهی جناب جعفر برای این گروه از مسلمانان در مغازی، *بداً و التاريخ* مقدسی به صراحت آمده است: «قالوا فخرجوا و اميرهم جناب جعفر بن ابی طالب و تابع المسلمون حتى اجتمعوا بارض الحبشة ثلاثة و ثمانين رجلاً» (مقدسی، بی تا، ۱۱۵۰/۴، ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۶۷/۳). ابن کثیر نیز جناب جعفر را مقدم، پیشرو و سخنگوی آنها دانست: «كان في زمرة ثانية من المهاجرين أولا و هو المقدم عليهم و المترجم عنهم عند النجاشي» (ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۶۷/۳). لحن گزارش های دیگر نیز تأییدکننده این مطلب است.

منطق رسای جناب جعفر برای اثبات حقانیت مسلمانان به نجاشی از انتخاب دقیق او از آیات قرآن کریم، خطابه ای که برای نجاشی خواند و گزینش دقیق تعالیم مشترک اسلام برای معرفی دین خود به نجاشی نمایان است. این موضوع در کنار اذعان قلبی نجاشی به دین اسلام در پاسخش به جعفر درباره نزدیکی اسلام و مسیحیت و رابطه خوب وی با جناب جعفر در ادامه حضورشان در حبشه نمایان است.

۲-۵. دلایل و اهمیت مشارکت دادن جعفر در غنایم بدر و خیبر

براساس روایتی، رسول خدا ﷺ، جعفر بن ابی طالب را همگام با اهل بدر دانست تا آنجا که سهمی از غنائم جنگ بدر را برای او در نظر گرفت. (واقعی، ۱۴۰۹، ۱۵۶/۸، ابن حیون، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۶/۳) این امتیاز فقط برای هشت نفر از صحابه لحاظ شد که یا بنا به دستور رسول خدا ﷺ به مأموریت اعزام شده بودند و به دلیل این مأموریت، توانایی حضور در معرکه بدر را نداشتند و یا مانند عثمان بن عفان مشغول تدفین و پرستاری از دختر پیامبر ﷺ بودند یا مانند سعد بن عبادة (م ۱۱ ق) به دلیل نیش خوردن از مار در هنگام بسیج نیرو امکان حضور در نبرد را نداشتند (واقعی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۰۶/۸). رسول اکرم ﷺ علت این اقدام خود را نیت آنها دانست که با اینکه در بدر حاضر نبودند، ولی اگر موانع موجود نبود، نیتشان حضور در نبرد و همراهی با رسول اکرم ﷺ و مسلمانان بود. بدری دانستن جناب جعفر با وجود عدم حضور او در جنگ بدر، نشانه امتیاز ویژه و اهمیت خاص ایشان نزد رسول الله ﷺ است؛ زیرا جنگ بدر چنان سرنوشت ساز بود که پیامبر ﷺ در مناجاتش به حضرت حق گفت: «اللهم ان تهلك هذه العصابة لم تعبد؛ خدایا! اگر این جماعت اندک هلاک گردند دیگر عبادت نخواهی شد»



(ابن هشام، بی تا، ۶۲۶/۱). پس از نبرد بدر، صحابه بدری پیامبر ﷺ چه در زمان آن حضرت و چه در زمان های بعد، جایگاه ویژه ای پیدا کردند. شاید بتوان گفت که مشترک ترین صفت جعفر بن ابی طالب با اصحاب بدر، ایمان ثابت در اوج کمبود امکانات مادی است. پیامبر ﷺ در دعایی اصحاب بدر را پابرهنه و گرسنه و برهنه و نیازمند توصیف کرد و از خدای متعال بی نیازی آنها را خواست (واقعی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۶/۱). این سیصد و سیزده نفر با وجود کمبود امکانات برای ریشه کن کردن سردمداران کفر ثابت قدم ماندند در حالی که در ابتدا با هدف درگیری با محافظان کاروان تجاری بیرون آمده بودند نه برخورد با لشکر نظامی مجهز مکه که سه برابرشان جمعیت داشت. تفرد این روایت و نیاز شدیدی که مسلمانان در آن زمان، به اموال و امکانات به دست آمده از نبرد بدر داشتند، همچنین پرهیز زیاد پیامبر مکرم اسلام ﷺ از اندوختن اموال در حالت نیاز و احتیاج مسلمانان، تردیدها را نسبت به درستی این روایت بسیار می کند.

بنا بر روایتی که فقط در منابع عامه وجود دارد، رسول الله ﷺ جعفر بن ابی طالب و همراهانش را در غنائم خیبر شریک کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۳۷۴، ابن شیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۸۶/۱) نکته مهم در این مسئله غنیمت های فراوان خیبر است که توانست وضعیت اقتصادی مسلمانان را تغییر دهد که شرایط اقتصادی مسلمانان به پیش از آن و پس از آن تقسیم می شود (زرگری نواد، ۱۳۹۳، ص ۵۰۲). با وجود فراوانی غنائم، بسیاری از مسلمانان به دلیل اجازه نیافتن برای شرکت در نبرد خیبر از آن بی بهره ماندند. دلیل اجازه نیافتن برای همراهی با پیامبر ﷺ این بود که رسول اکرم ﷺ فقط به کسانی اجازه حضور در غزوه خیبر را داده بود که در سفر حدیبیه با آن حضرت همراهی کرده بودند (ابن هشام، بی تا، ۳۴۷/۲). بنابر روایت واقعی که ابن سعد نقل کرده است، رسول الله ﷺ برای جناب جعفر از حاصل خیبر، سالانه ۵۰ وسق خرما (هر وسق ۶۰ صاع) تعیین کرد که معادل ۵۴ هزار کیلو در سال بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۳۷۴، ابن شیه، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۸۶/۱).

۲-۶. راز مقایسه فتح خیبر و بازگشت جعفر بن ابی طالب از حبشه

شادی و خشنودی پیامبر ﷺ از بازگشت جناب جعفر بن ابی طالب و همراهان وی از حبشه و همراهان وی آنچنان بود که آن حضرت به استقبال وی رفت و او را در آغوش

گرفت و بوسید و شادی از آمدن او را هم سنگ شادی فتح خیبر دانست. (ابن اسحق، بی‌نا، ابن حیون، ۱۴۹ هـ.ق، ۲۰۵/۳) مقایسه خبر فتح خیبر و رسیدن جناب جعفر نیز نکته بسیار مهمی است که برای رسیدن به عمق آن به بازخوانی جایگاه و اهمیت غزوه خیبر نیاز است. غزوه خیبر را می‌توان اصلی‌ترین نبرد نظامی مسلمانان و رویارویی نهایی با جمعیت اصلی یهود در حجاز دانست؛ زیرا پشتوانه نظامی و تجهیزات یهودیان مدینه خیبر بود و باقیمانده آنها یعنی، دشمنان قدیمی مسلمانان که از مدینه و جنگ‌های بنی قینقاع و بنی نضیر جان به سلامت برده بودند با تمام کینه فروخورده خود در این قلعه‌های هفتگانه پناه برده بودند. پشتوانه نظامی یهود، هفت قلعه سنگی مستحکم با جمعیت ده تا بیست هزار نفری نظامی و با امکاناتی بود که به آنان اجازه پایداری در برابر محاصره را به مدت یک سال می‌داد (زرگری نژاد، ۱۳۹۳، ص ۵۶).

نبرد خیبر، رهایی از رنج طولانی و هفت‌ساله نسبت به توطئه‌های این دشمن داخلی بود و کمر دشمنان اسلام را شکست، قدرت اسلام را تثبیت و دشمنان دیرینه را ناامید کرد. جایگاه اهل بیت پیامبر اکرم علیه السلام به ویژه حضرت علی علیه السلام در نبرد خیبر با این امتیاز افتخارآمیز که خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم را دوست دارد و خدا و رسولش هم او را دوست دارند و فتح خیبر توسط ایشان و دلاوری آن حضرت در قتل مرحب خیبری و ازجا کردن دروازه خیبر به طور ویژه تثبیت شد.

همچنین غم هجران طولانی مسلمانان مهاجر به حبشه به ویژه جناب جعفر و نگرانی که درباره آنها بود، با بازگشت آنها از حبشه از بین رفت. حضور جناب جعفر با توجه به عمق ایمان و توانایی‌های وی در نبود حمزه، برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کمک بسیار مهم و سترگی بود. این موضوع، منافقان داخلی را نسبت به توطئه درباره اهل بیت علیهم السلام ناامید می‌کرد. این درحالی است که در سال هفتم هجری غیر از حضرت علی علیه السلام و عباس چهره شاخصی از بنی هاشم در صف یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نبود و جناب جعفر این فراغ را با حضور دوباره خود به خوبی پر کرد. با ورود جناب جعفر و اکرام خاص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از وی، جایگاه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هجرت و راهبری در غربت نیز بیش از پیش تثبیت شد به ویژه که به مهاجران حبشه لقب ذو هجرتین داده شد. (ابن حیون، ۱۴۹ هـ.ق، ۲۰۵/۳، بلاذری، ۱۳۳۸ هـ.ق، ۲۹۹/۲) افزون بر موارد



فوق در روایات اهل بیت علیهم السلام نکات دقیق تری نیز یافت می شود از جمله اینکه پیامبر ﷺ از شدت خوشحالی ورود جناب جعفر و یارانش، گریه کرد. همچنین برای استقبال از جعفر در بازگشت از حبشه، از محل استقرارش در ستاد فرماندهی نبرد خیبر، به مسافت یک تیر پیاده راه پیمود (ابن بابویه، بی تا، ۲۵۴/۱).

۲-۷. مفهوم هدیه نماز تسبیح به جناب جعفر

آموختن نماز جناب جعفر و سفارش به انجام روزانه، هفتگی، ماهانه یا سالانه یک بار، ذکر فضایل این نماز که غفران خطاهای صغیر و کبیر و خطاهای عمدی و قدیمی و جدید است، و هبه آن به جناب جعفر، عطای خاص به ایشان است. نماز جناب جعفر که از آن به نماز تسبیح تعبیر شده است در برخی از منابع عامه آمده است. (جصاص، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۵۴/۴، مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۳۴/۱) مفهوم هدیه دادن نماز بافضیلت تسبیح به جناب جعفر درخور تفکر و تأمل است و می توان برای آن دو معنا تصور کرد: افتخار این عبادت به نام جناب جعفر ثبت شده و مسلمانان این نماز را با توجه به مناسبت تعلیم آن و هبه دادن آن به جعفر به نام جعفر یاد کنند و این گونه افتخارات ایشان بیشتر شود. احتمال دیگر اینکه براساس قاعده تسبیب و اینکه هرکس فعل خیری را سنت بگذارد یا به دیگران آموزش بدهد در ثواب انجام آن عمل نیز سهیم می شود چنانکه رسول اکرم ﷺ فرمود: «من سن سنة حسنة فله أجرها و أجر من عمل بها إلى يوم القيامة» (جصاص، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۵۴/۴) رسول الله ﷺ جناب جعفر را در ثواب این سنت گذاری و عمل بافضیلت شریک کرد و این گونه هدیه ای ماندگار و عطایی خاص و ماندنی به جناب جعفر اعطا کرد.

۲-۸. مضمون شناسی محتوای همنشینی و انس جعفر با پیامبر اکرم ﷺ

برخی از روایات، گفت و گوهای رسول اکرم ﷺ و جناب جعفر را بازتاب داده اند که در کنار دیگر قرائن، تأییدکننده همنشینی و انس جناب جعفر با رسول الله ﷺ در همان سال های اندک بین نبرد خیبر و جنگ مؤته هستند. در روایتی آمده است: «آن حضرت ﷺ با جناب جعفر نشسته بود که میوه ای آوردند و آن حضرت ﷺ قطعه ای از آن را به جناب جعفر داد و فرمود: بگیر و بخور؛ زیرا باعث پاک شدن قلب و شجاع شدن ترسو یا روشنی چهره و نیکو شدن فرزند می شود» (برقی، بی تا، ۵۴۹/۲، کلیبی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۲۵۷/۶). در روایت سوم از آن حضرت، آن حضرت جناب جعفر را

به خلال کردن توصیه کرد؛ زیرا خلال باعث بهداشت دهان و لثه و افزایش روزی می شود (برقی، بی تا، ۵۶۳/۲، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۳۷۶/۶). در دیگر گفت وگوها میان رسول اکرم ﷺ و جناب جعفر در احادیث، مواردی را می توان یافت که نشان از اهتمام و ارجی است که رسول اکرم ﷺ برای آموزش و فهم و درک جعفر قائل بوده است. مانند اینکه علامت رضای خداوند متعال از خلقتش، عدالت حاکمان و ارزانی قیمت هاست و علامت نارضایتی خداوند از خلق، گرانی قیمت ها و جور حاکمان است (ناشناس، ۱۴۲۳ هـ.ق). بیان علامت های پیش از ظهور قائم اهل بیت ﷺ و اینکه پرچم را یکی از فرزندان جناب جعفر به او می دهد که صورتی مانند ماه و دندانی تیز و شمشیری آتشین دارد (نعمانی، ۱۳۹۷). در گزارشی آمده است: «وقتی پیامبر اکرم ﷺ از شگفتی های سفر جناب جعفر به حبشه پرسید، جناب جعفر داستان زنی از حبشه را گفت که بر سرش باری داشت و در میانه راه، مردی در تنگی مسیر به او تنه زد و بارش بر زمین افتاد. زن بر زمین نشست و او را گفت: وای بر تو! از دادرش روز دادگری گاهی که به دادخواهی بنشینند و داد ستم دیدگان را از ستمگران بستانند» (کلینی، ۱۴۳۹ هـ.ق، ۳۶۶/۸). گزارش تواضع و خاکساری نجاشی، پادشاه حبشه به درگاه خداوند برای شکر نعمت پیروزی مسلمانان در بدر (ر.ک.، ابن ابی عامر، بی تا، ص ۱۵۲) نیز از این نمونه است.

این گزارش ها از سویی انس جناب جعفر با رسول اکرم ﷺ را تأیید می کند و از سوی دیگر، اهتمام آن حضرت برای آراستن جناب جعفر به فرهنگ و ادب و آگاهی های دینی را نشان می دهد. مفاد و مضمون این روایت ها نیز نشان از تربیت همه جانبه جعفر از سوی رسول اکرم ﷺ است؛ چه از نظر بهداشت و آداب فردی، چه از نظر معرفت او به امام و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) و چه از نظر عبرت ها و درس های حیات بشری و سنت های الهی در ربوبیتش.

۲-۹. اسکان دادن جعفر در مجاورت پیامبر اکرم ﷺ و دلالت آن

محل سکونت و حجره های همسران پیامبر ﷺ در مسجد نبوی بود. بنابر گزارش بلاذری پس از آمدن جعفر به مدینه، آن حضرت خانه ای را برای جناب جعفر نزدیک مسجد نبوی تعیین کرد. (بلاذری، ۱۳۳۸ هـ.ق، ۴۴/۲) تعیین خانه برای جناب جعفر در کنار مسجد و طراحی آن نشان می دهد که جناب جعفر جایگاه خاص و ویژه ای نزد رسول الله ﷺ داشت و آن حضرت درصدد تبیین جایگاه جناب جعفر برای مسلمانان نیز بود؛ زیرا بنابر گزارش های موجود،



رسول اکرم ﷺ این کار را فقط برای همسران خود و برای دخترش، حضرت زهرا (س) انجام داد و البته عموی آن حضرت نیز در کنار مسجد خانه داشت (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۴). دیگر اصحاب پیامبر ﷺ نیز پیرامون مسجد خانه داشتند به گونه ای که درهای خانه هایشان به مسجد گشوده می شد و به دستور رسول الله ﷺ این درها را بستند (شوشتری، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۵/۵۶۸). در برخی منابع شیعه، خطبه ای از حضرت علی (ع) نقل شده است که در آن، امام علی (ع) الحاق خانه جناب جعفر طیار در مدینه را به مسجد پیامبر ﷺ از موارد مخالفت خلفای پیش از خود با سنت پیامبر ﷺ دانست و بیرون آوردن خانه از فضای مسجد و بازگرداندن آن به دست وارثانش را آرزو کرده است (شیخ طبرسی، ۱۴۳۳ هـ.ش، ۲۶۴/۸) که تأییدکننده امتیاز بودن این خانه برای جناب جعفر است.

۲-۱۰. محول کردن مسئولیت خواستگاری برای رسول اکرم ﷺ به جناب جعفر و اهمیت آن

در ذی القعدة سال هفتم هجری، پیامبر ﷺ به همراه اصحابش از جمله جعفر بن ابی طالب، عمره القضا را براساس صلح حدیبیه انجام داد. پس از پایان عمره، آن حضرت ﷺ، جعفر بن ابی طالب را به نمایندگی از خود مأمور خواستگاری از میمونه که خواهر مادری همسران جعفر و عباس بود، کرد. میمونه بنت حارث نیز جناب عباس را مسئول اجرای عقد کرد (ابن هشام، بی تا، ۸۰۸/۳، الواقدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲/۷۳). محول کردن این مأموریت به جناب جعفر نشان از اعتماد رسول اکرم ﷺ به جناب جعفر و دادن این افتخار به او و لیاقت و کاردانی جعفر دارد. از سوی دیگر، پیامبر ﷺ با این کار، مقام جعفر را در سطح عمومیش، عباس، بالا آورد و شیخوخیت او را در بنی هاشم با وجود عباس، براساس فضائل و شایستگی هایش تثبیت نمود؛ زیرا خواستگاری امری عشیره ای و نوعی جایگاه بزرگ و شیخوخت می طلبد، اگرچه عباس از نظر سن، بزرگ تر از جعفر بود، ولی شایستگی های جعفر بسیار بیشتر از او بود.

۲-۱۱. راز تهیین جعفر به عنوان یکی از فرماندهان نبرد مؤته

سریه مؤته، سومین برخورد مسلمانان با روم بود. برخوردی که به دنبال آن غزوه تبوک و پس از آن سریه اسامه بن زید رقم خورد. شرایط این سریه نشان می داد که عملیاتی شهادت طلبانه با هدفی ایدایی و ضرب شستی به رومیان شکل گرفت. هدفی که نتیجه

واقعۀ تبوک و خودداری رومیان از درگیر شدن با مسلمانان می‌تواند موفقیت‌آمیز بودن آن را تأیید کند. روش بی‌سابقه رسول اکرم ﷺ در تعیین سه فرمانده پی‌درپی نیز تأییدکننده آن است. (کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۸/۳۶۶) شخصیت فرماندهان این نبرد نیز متفاوت بود. چه جناب جعفر که پسر عموی محبوب رسول الله ﷺ بود و چه زید بن حارثه که از کودکی در دامان رسول الله ﷺ بزرگ شده و پسر خوانده، محبوب و از نزدیکان رسول الله ﷺ بود. در حقیقت می‌توان گفت که پیامبر اکرم ﷺ در جنگ سرنوشت‌ساز مؤتۀ که در آن شرایط نبردی شهادت‌طلبانه به شمار می‌رفت، عزیزان خود را به قربانگاه فرستاد و مانند دیگر عرصه‌های خطر وابستگان خود را در صف اول قرارداد.

هرچند میان نقل‌های مکتب اهل بیت ﷺ و مکتب خلفا درباره ترتیب فرماندهان نبرد مؤتۀ اختلاف است و در روایات منابع شیعه، فرمانده اول این جنگ جناب جعفر معرفی شده است (ابن حیون، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳/۲۰۶) و در روایات اهل سنت، زید بن حارثه را فرمانده اول می‌دانند و بی‌توجهی پیامبر ﷺ به اعتراض جناب جعفر به رسول الله ﷺ درباره تعیین زید به عنوان فرمانده بر او را بازتاب داده‌اند، درحالی‌که منبع این روایت متأخر بوده و گزارشش بدون قرینه تأییدکننده است و نسبت دادن این اعتراض به جناب جعفر را مخالف معرفت و منش ایشان دانسته و آن را افترا می‌دانند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲/۱۰۷). آیت الله سبحانی به استناد جایگاه والای جناب جعفر و نیز به استناد شعر کعب که اولین فرمانده پیشگام را جناب جعفر خوانده و به استناد روایات اهل بیت ﷺ که جناب جعفر را امیر خوانده‌اند، او را امیر سربۀ مؤتۀ می‌داند (آیت الله سبحانی، ۱۳۴۷).

۲-۱۲. مفهوم افتخار پیامبر ﷺ به جناب جعفر و مقام پرواز او در بهشت

همه معصومان ﷺ و در رأس آنها رسول اکرم ﷺ از تفاخرهای مادی هستند که از جلوه‌گری و مقایسه در امکانات دنیوی و برتری جویی مبرا می‌باشند. اگر تفاخری در سخنان ایشان دیده می‌شود بدین دلیل است که می‌خواهند راه حقانیت و برتری معنوی و الهی خود را به گمگشتگان راه نجات نشان دهند و با اثبات فضیلت برای شایستگان واقعی، امت را به سوی این فضیلت‌ها سوق داده و راه نجات را برایشان نشان دهد. از این رو، در روایت آمده است که رسول الله ﷺ ضمن بر شمردن اینکه بهترین پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و



بهترین پدر و مادر را حسنین علیهما السلام دارند، فرمود که آنها بهترین عمه ها و عموها را دارند و به عنوان عمه از ام هانی و و به عنوان عمواز جناب جعفر یاد نمود. همچنین فرزندان خود یعنی، قاسم و زینب را بهترین دایی و خاله برای حسنین دانستند. (خراز رازی، ۱۴۱ هـ.ق، طبری، ۱۴۱۵ هـ.ق) با مروری بر تغییرات ارزشی در جامعه اسلامی در دهه های بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله می توان دریافت که این افتخارات باعث تثبیت جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام در میان سایر مردم شد به گونه ای که بنی امیه نیز نتوانستند آن را انکار یا پنهان کنند و بدون این تبیین های رسول اکرم صلی الله علیه و آله، جایگاه اهل بیت علیهم السلام ایشان در موج فضیلت تراشی و کاسب کاری دشمنان به طور کامل پنهان می ماند. در روایتی دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به دخترش با برشمردن هفت خصلت که به دیگری داده نشده است از جناب جعفر یاد کرد که خداوند در بهشت به او دو بال می دهد تا در هر کجا که بخواهد پرواز کند: «وَمَنْ لَّهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهَمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ». این روایت در منابع شیعه (ر.ک.، شیخ مفید، ۱۳۱۳ هـ.ق، ۱۳۷۸، کوفی، ۱۳۲۳ هـ.ق، ۲۵۵/۱) و منابع اهل تسنن آمده است (ر.ک.، الهیثمی، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۱۶۸/۹). این مفهوم در روایات شیعه (ر.ک.، طبرسی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۱۳/۱) و اهل تسنن ذکر است (ر.ک.، واقدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۷۶۷/۲، بی‌هی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱۳۷۷/۴، مزی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۳۶۹/۱۴، زبیری، ۱۹۹۹). نکته قابل توجه این روایت دو امتیاز ویژه برای جناب جعفر است. امتیاز اول که آشکارتر از امتیاز دوم است، نعمت خاص داشتن بال در بهشت و پرواز با ملائک است که با پیرایش این تشبیه از ابعاد و تشبیهات مادی باید آن را به معنای داشتن درجه ای خاص از کمال و توانایی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ۱۶۶/۸) یا قرب الهی دانست که شأن جعفر بن ابی طالب را در کنار شأن انسانی، شأنی فرشته گون می دهد. باید مقامی ملکوتی و خاص فرشتگان الهی باشد که از ابعاد و سطوحی که عموم بهشتیان غیر ملک دارند، فراتر است. همچنین دسترسی جناب جعفر به پرواز در هر جای بهشت است و این به معنای مقام ویژه ای است که جناب جعفر در میان بهشتیان و ملکوتیان دارد. جالب توجه است که چنین مقامی نسبت به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نیز در روایت امام سجاد علیه السلام بیان شده است. ابو حمزه ثمالی نقل می کند که علی بن الحسین علیه السلام به سوی عبید الله ابن عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام نظر نمود، اشک آن حضرت جاری شد و فرمود: «روزی نگذشت بر رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل روز احد که کشته شد در آن حمزه بن

عبدالمطلب علیه السلام، شیر خدا و شیر رسول خدا صلی الله علیه و آله، و بعد از آن روزی نگذشت بر آن حضرت مثل روز مؤته شام که کشته شد در آن پسر عمش، جعفر بن ابی طالب علیه السلام، پس فرمود: «و نبود روزی مثل روز عاشورای حسین علیه السلام که سی هزار مرد که خود را از این امت می دانستند او را محاصره کردند و تقرب می جستند هر يك به سوی خدا به ریختن خون آن حضرت. او خدای را به یاد ایشان می آورد و موعظه او را قبول نمی کردند تا آنکه او را از راه ظلم و عدوان شهید کردند، سپس فرمود: «خدا رحمت کند! عباس علیه السلام را که ترجیح داد زندگی آن حضرت را بر زندگی خود و متحمل بلا شد و خود را فدای برادر خود نمود تا آنکه دو دست او را قطع کردند. پس خداوند عوض آن، دو بال به او کرامت فرمود که پرواز می کند با آن دو بال با ملائکه در بهشت، چنانچه به جعفر بن ابی طالب علیه السلام دو بال عطا کرده، و فرمود: «به درستی که برای عباس علیه السلام در نزد خداوند عزوجل درجه ای است که همه شهدا در روز قیامت بر او غبطه خورند و حسرت می کشند» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ابن بابویه، ۱۳۶۲، مجلسی، ۱۴۰۳، هـ.ق، ۲۲/۲۷۴). در این روایت از سویی اهمیت مصیبت جناب جعفر برای رسول الله صلی الله علیه و آله در جایگاه دومین مصیبت سهمگین برای آن حضرت، پس از شهادت جناب حمزه سیدالشهدا بیان شده است و از سوی دیگر مقام حضرت ابوالفضل مقامی دانسته شده است که همه شهدا بر او در روز قیامت غبطه می خورند، که این تأکید بر همه شهدا شاید شامل جناب جعفر نیز باشد.

۲-۱۳. اهتمام ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله به بازماندگان و عزاداری خاص جناب جعفر

سنت پختن غذا تا سه روز برای خانواده مصیبت دیده جعفر، با امر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیه السلام شکل گرفت. آن حضرت علیه السلام دخترش را فرمان داد که تا سه روز برای همسر و فرزندان جناب جعفر غذا تهیه کرده و نزد آنها برود و آنها را تسلیت دهد؛ زیرا آنها گرفتاری دارند که از تهیه کردن غذا بازشان می دارد. (برقی، بی تا، ۱۴۱۹/۲، ابن حیون، ۱۴۰۹، هـ.ق، ۳/۲۷۶، کلینی، ۱۴۲۹، هـ.ق، ۳/۲۱۷) با اینکه تشییع پیکر خاص رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی علیه السلام، و تشویق ایشان بر عزاداری و گریه بر حمزه آمده است، ولی ارسال غذا به خانه عزادار فقط برای جناب جعفر نقل شده است که به نظر می رسد با اهتمام اسلام به یتیم نوازی و توجه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به یتیمان و زنان خاندان جناب جعفر انجام شده است. در روایات عامه، این نکته وجود دارد که آن حضرت اسماء را در حالی که به همراه زنانی که برای عزاداری نزدش جمع شده بودند و شیون می کردند از گفتن سخنان ناشایست در



عزاداری و بر سینه کوبیدن نهی کرد؛ در حالی که این روایت از سوگواری نهی نکرده است. همچنین از پیوستن حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) به این زنان و بازگو کردن سخن حضرت علی (علیه السلام) خبر داده‌اند که فرموده بود بر مثل جناب جعفر باید گریه‌کنندگان بگریند. این اهتمام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و صحابه نشان از محبوبیت عزاداری شایسته برای اموات در شریعت اسلام است (ابن ابی الحدید، ۱۴۶ هـ.ق، ۷۱/۱۵).

۲-۱۴. پذیرفتن سرپرستی فرزندان جناب جعفر و اهتمام به نسل او

پیامبر (صلی الله علیه و آله) که خودش با یتیمی بزرگ شده و خو گرفته بود، در دیدار با خاندان جعفر به همسرش، اسماء، که نگران تهیدستی سه پسر یتیم خردسال از جعفر بود، اطمینان داد که در دنیا و آخرت سرپرستی آنها را برعهده می‌گیرد. (ابن کثیر، ۱۴۶ هـ.ق، ۲۲۱/۷) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «به هنگام شهادت جناب جعفر، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به دیدن اسماء بنت عمیس و فرزندان او رفت و بر سر پسران جناب جعفر دست کشید. اسماء که با این دیدار و مهریانی بیش از سابق مواجه شده بود از حال جناب جعفر پرسید و رسول الله (صلی الله علیه و آله) اول خبر شهادت جناب جعفر را به او داد و در برابر گریه او به جایگاه جناب جعفر در بهشت اشاره کرد که خداوند برای او دو بال از یاقوت قرار می‌دهد که به همراه فرشتگان الهی در بهشت پرواز کند. اسماء با شنیدن این خبر از رسول الله (صلی الله علیه و آله) خواست تا این افتخار را برای مردم نیز بازگو کند. رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیز به منبر رفت و این خبر را به مردم داد و خاندانش و بعد مردم را به تهیه غذا برای خاندان جناب جعفر فرمان داد که پس از آن سنت شد، (ابن حیون، ۱۴۶ هـ.ق، ۲۸/۳، برقی، بی تا، ۴۲۰/۲، کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۲۱۷/۳). اخبار از وضعیت حال جناب جعفر چیزی فراتر از بیان آینده او و به معنای تثبیتی ابدی برای جایگاه و فضیلت جعفر در طول تاریخ اسلام و جایگاه والا تر او در میان شهدا و افتخاری برای همه بنی هاشم و اهل بیت (علیهم السلام) و تسلیتی بیشتر برای بازماندگان جناب جعفر است. نکته دیگر در این توصیف، تناسب وضعیت صورت برزخی جناب جعفر با چگونگی شهادت اوست که ارتباط بین این دنیا و بهشت اخروی را نشان می‌دهد.

واقعی از زبان عبدالله بن جناب جعفر نیز نقل می‌کند که این دیدار رسول الله را به یاد داشت و جزئیات بیشتری را گزارش کرده است؛ مثل اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچنان بر سر عبدالله و برادرش دست نوازش می‌کشید، اشک هایش آنچنان جاری بود که از محاسن شریفش

می چکید. سپس عرضه داشت: «خداوند! جعفر برای بهترین عبادت‌ها به سوی تو شتافت، پس بهترین جانشین برای فرزندانش باش؛» یا این نکته که آن حضرت تا سه روز پسران جناب جعفر را نزد خود خوانده با آنان غذا تناول می کرد. (بیهقی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۷۷۴) فرزندان جعفر همگی در خط اهل بیت علیهم‌السلام ثابت قدم ماندند و نسل جعفر به ویژه نسلی که به نسل رسول الله صلی الله علیه و آله پیوند خورده بود، امتداد وسیعی در طول تاریخ یافت. یکی از امتدادهای وجودی انسان از راه نسل و فرزندان اوست.

پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال تضمین امتداد وجودی جناب جعفر و پیوند دادن نسل جاویدان و مبارک خود با نسل جعفر بود. در منابع تاریخی آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله نگاهی به فرزندان امیرالمؤمنین و جعفر انداخت و فرمود: «دختران ما برای پسران ماست و پسران ما برای دخترانمان». (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۳/۳۰۵) از آنجاکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از شهادت جعفر سرپرستی فرزندانش را پذیرفته بود، می توان این فرمایش آن حضرت را تشویقی به ازدواج فرزندان حضرت علی علیه السلام با فرزندان جعفر دانست. با توجه به این روایت، مقصود از فرزندان حضرت علی علیه السلام، زینب کبری علیها السلام و رقیه بودند و منظور از فرزندان جعفر، عبدالله، محمد و عون بودند. دقت در ازدواج این افراد نشان می دهد که توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آنها اجرا شد؛ زیرا عبدالله با زینب کبری علیها السلام ازدواج کرد و حضرت علی علیه السلام نیز دخترش، ام کلثوم را به ازدواج محمد و پس از وفات او به ازدواج عون درآورد (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۳۳۸/۸؛ ابن حزم، ۱۴۱۸ هـ.ق، ص ۳۸؛ مقریزی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۵/۳۷۰). نکته جالب اینکه، در رتبه دوم در تعداد ازدواج‌ها یعنی، در رتبه پس از ازدواج جعفر با زینب کبری علیها السلام (یعنی، ازدواج‌هایی که دختر و پسر هر دو از نسل جعفرند)، ازدواج نسل جعفر با نسل حضرت علی علیه السلام بیشترین تعداد را در میان آنها داشت و بسیاری از ذراری رسول خدا صلی الله علیه و آله که شجره طیبه اسلام و مایه مباهات و شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ اسلام می باشند از این شجره مبارکه هستند. این نسل مبارک و ثمره ازدواج حضرت زینب علیها السلام با عبدالله بن جعفر و از نسل علی بن جعفر (مشهور به علی الزینبی) به دلیل انتسابشان به زینب کبری علیها السلام به سادات زینبی مشهورند و بخش بزرگی از سادات هستند که از سویی طالبی به شمار می روند و از سوی دیگر از ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله می باشند.



۳. نتیجه گیری

رفتار و گفتاری که در سیره رسول اکرم ﷺ درباره عموزاده اش جناب جعفر گزارش شده است نکاتی دارد که کمتر به آن توجه شده است که این نکات عبارتند از: اهمیت سنخیت روحی و جسمی رسول اکرم ﷺ با جناب جعفر، راز برگزیدگی جناب جعفر برای سرپرستی مهاجران حبشه، شایستگی های جعفر برای اعزام به حبشه، مفهوم هدیه نماز تسبیح به جعفر، راز مقایسه میان بازگشت جعفر از حبشه و فتح خیبر، مضمون شناسی محتوایی و همنشینی انس جعفر با پیامبر ﷺ، دلالت شناسی اسکان جعفر در مجاورت خانه رسول اکرم ﷺ، مدلول شناسی افتخار پیامبر ﷺ به جعفر و مقام طیران او در بهشت، تأویل و اهتمام ویژه رسول اکرم ﷺ به بازماندگان و نسل جعفر.

فهرست منابع

۱. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو حامد (بی تا)، کتاب الزهد، قاهره: دارالریان للتراث.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۶۴ ه.ق)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۳. ابن اشعث، محمد بن محمد (بی تا)، عفريات، تهران: مکتبه نینوی.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲)، امالی، تهران: کتابچی.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: اسلامیه.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۰۹ ه.ق)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الأطهار علیهم السلام، قم: جامعه مدرسین.
۸. ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۳)، الاعلاق النقیسه و بلیه کتاب البلدان، بیروت: دار صادر.
۹. ابن سعد، محمد بن منیع (۱۴۱۰ ه.ق)، الطبقات الکبری، محقق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۰. ابن شیه نمیری، عمر بن شیه (۱۴۱۰ ه.ق)، تاریخ للمدینه المنوره، قم: دار الفکر.
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ ه.ق)، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل او اجتاز بنوا حیهها من واردیهها و اهلها، بیروت: دار الفکر.
۱۲. ابن عنبه حسنی (۱۳۱۷)، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم: انصاریان.
۱۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۸ ه.ق)، عیون الاخبار، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ه.ق)، البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر.
۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، عیون اخبار الرضا علیهم السلام، محقق: لاجوردی، مهدی، تهران: جهان.
۱۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ ه.ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، محقق: معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، ابوسعده، عبد الفتاح، بری، محمد عبد المنعم، و نجار، جمعه طاهر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. ابن حزم، علی بن احمد، و لجنة من العلماء (۱۴۱۸ ه.ق)، جمهره أنساب العرب، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۱۲ ه.ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، محقق: بقاعی، یوسف، بیروت: دار الأضواء.
۱۹. ابن هشام، عبد الملک (بی تا)، السیره النبویه، محقق: آبیاری، ابراهیم، سقا، مصطفی، و شبلی، عبد الحفیظ، بیروت: دار المعرفه.
۲۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ ه.ق)، کشف الغمه، قم: منشورات رضی.

۲۱. بوقی، احمد بن محمد (بی تا). المعاصن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ ه.ق). دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ه.ق). احکام القرآن جصاص. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ ه.ق). کفایه الاثر فی النص. قم: علی الائمه الاثنی عشر.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ ه.ق). تاریخ الاسلام وفيات المشاهیر و الاعلام. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۶. زبیری، مصعب بن عبدالله (۱۹۹۹). نسب قریش. قاهره: دارالمعارف.
۲۷. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۳). تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت). تهران: انتشارات سمت.
۲۸. سبحانی جعفر (۱۳۴۷). عوامل جنگ موته. نشریه مکتب اسلام، شماره ۶، ۳۶-۴۰.
۲۹. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ ه.ق). جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۰. شوشتری، نورالله بن شریف الدین. و علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۹ ه.ق). إحقاق الحق و إزهاق الباطل. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ه.ق). الاحتجاج. مشهد مقدس: نشر المرتضی.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ ه.ق). اعلام الوری باعلام الهدی. قم: آل البيت.
۳۳. طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۵ ه.ق). المسترشد فی اسامه علی بن ابی طالب. تحقیق: محمودی، احمد. قم: کوشانپور.
۳۴. عودی، ستار (۱۳۹۳). مقاله جعفر بن ابی طالب. نشریه جهان اسلام، شماره ۱۰، انتشارات دانشنامه جهان اسلام.
۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضه الراغبین و بصیره المتعلمین. قم: الشریف الرضی.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ه.ق). تفسیر القمی. قم: دارالکتب.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ ه.ق). الکافی. قم: دارالحديث.
۳۸. کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۲۳ ه.ق). مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب. محمودی، محمدباقر. قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۳۹. گنجی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴ ه.ق). کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب. البیان فی اخبار صاحب الزمان. تهران: داراحیاء تراث اهل البيت.
۴۰. مجدی، محمد بن ابی طالب. کریم، فارس حسون (۱۴۱۸ ه.ق). تسلیه المجالس و زینه المجالس الموسوم بمقتل الحسين. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴۱. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۲. محب الدین طبری، احمد بن عبدالله غیری (۱۳۸۶). ذخائر العقبی. قم: دارالکتب الاسلامی.
۴۳. مرزی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۶ ه.ق). تهذیب الکمال فی اسماء الرجال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۴۴. مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۲۶ ه.ق). الایات الوصیه للامام علی بن ابی طالب. قم: انصاریان.
۴۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۴۶. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). البدء و التاریخ. بیروت: مکتبه الثقافه الدینییه.
۴۷. مقرئیزی، احمد بن علی. و نمینی، محمد عبدالحمید (۱۴۲۰ ه.ق). امتناع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر. و جمعی از فضلا و دانشمندان (۱۳۸۸). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. ناشناس (۱۴۲۳ ه.ق). الاصول الستة عشر من الاصول الاولیه. قم: دارالحديث.
۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم. و غفاری، علی اکبر (۱۳۹۷). الفیه. تهران: مکتبه الصدوق.
۵۱. واقفی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ه.ق). کتاب المغازی. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۵۲. الهیثمی، علی بن ابوبکر. و احمد عطا، محمد عبدالقادر (۱۴۲۲ ه.ق). مجمع الزوائد هیثمی. بیروت: دارالکتب العلمیه.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی